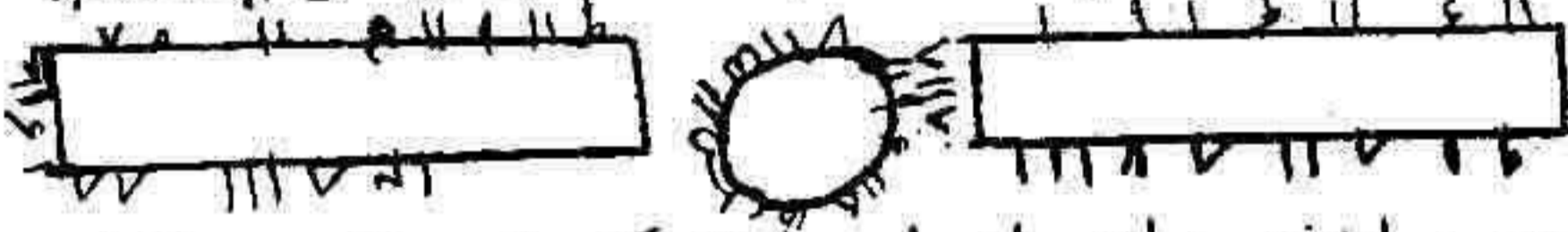


و بجای و ساندیم که از آن بالا نریزیدند پیش از من کرده بودند و بعد از من نیز بکنند
 مگر از این کتاب که سی و پنج سال با بپست نام کردم و حق و ثمن حقان مکنتام در این کتاب
 خود نیاوردیم هیچ شیخی را ما ب عمل ناکرده و نماندیم و این کتاب را در جهان بیاد کاری
 گذاشتم تا جمله علمای روی زمین عبرت بگیرند از کارهای من و سیر نشوند از علم و دانند آنها
 که در علم شیخات من و شنند که بدانجا نرسیده اند و فوت فهم این ندانند و هر که خط و اندک
 عمل از من بکنند بعد از مدت زعمل از جمله عالمان که در این علم نازیده اند بهشردانند و جمله
 در پیش وی فرمائند اگر هر یازید و فضل عباس و جیب عجم و محمد سماک و ابو
 مشر یلخی و بوسلیمان دارانی و عبدالله ابن سهیل نسری بود در پیش آنکس که علی
 از این پیاموزد و علی از این بکنند فرو ما متد حق ثم حق و الله اعلم و چون خواهی که
 جمله فرشتگان را بجزای خودی تم مسخر کن و هر را بینی و با هر هم نشین کردی و از هر
 قبض گیری و ایشان تو را نزدیک پیغمبران و بدرجا اولیا برسی و الباقی معلوم باشد که
 چهل روز روزه داری و در این مدت هر روز فسلی میآوری و جامها سفید آید
 در پوشی و اکثر اوقات در مندل مانی و این بخور را مسوزان مغل ازرق کافور دای
 کند سفید اول آنها را نیک بکوب و با هم عجم کن و هر روز هشت مثقال و هشت
 هشت مثقال بسوز و مدت شیخ این چهل بکروز است و این مندل را بهفت میل
 باید کشید و چهار کار در فولاد در چهار رکن مندل باید فرو بردن و در شبانه
 روزی پیش از در و بار از مندل بیرون نشاندن و غذا کم باید خوردن و
 جوانی نشاند خوردن که فرشتگان همیشه عظیم نمایند و سی چوب نار باید
 باید پیدا کردن و بر شمش سفید و بر شمش را و اسخام را بر نقره نقش باید کرد و از

باید در چوبین و سالیان است



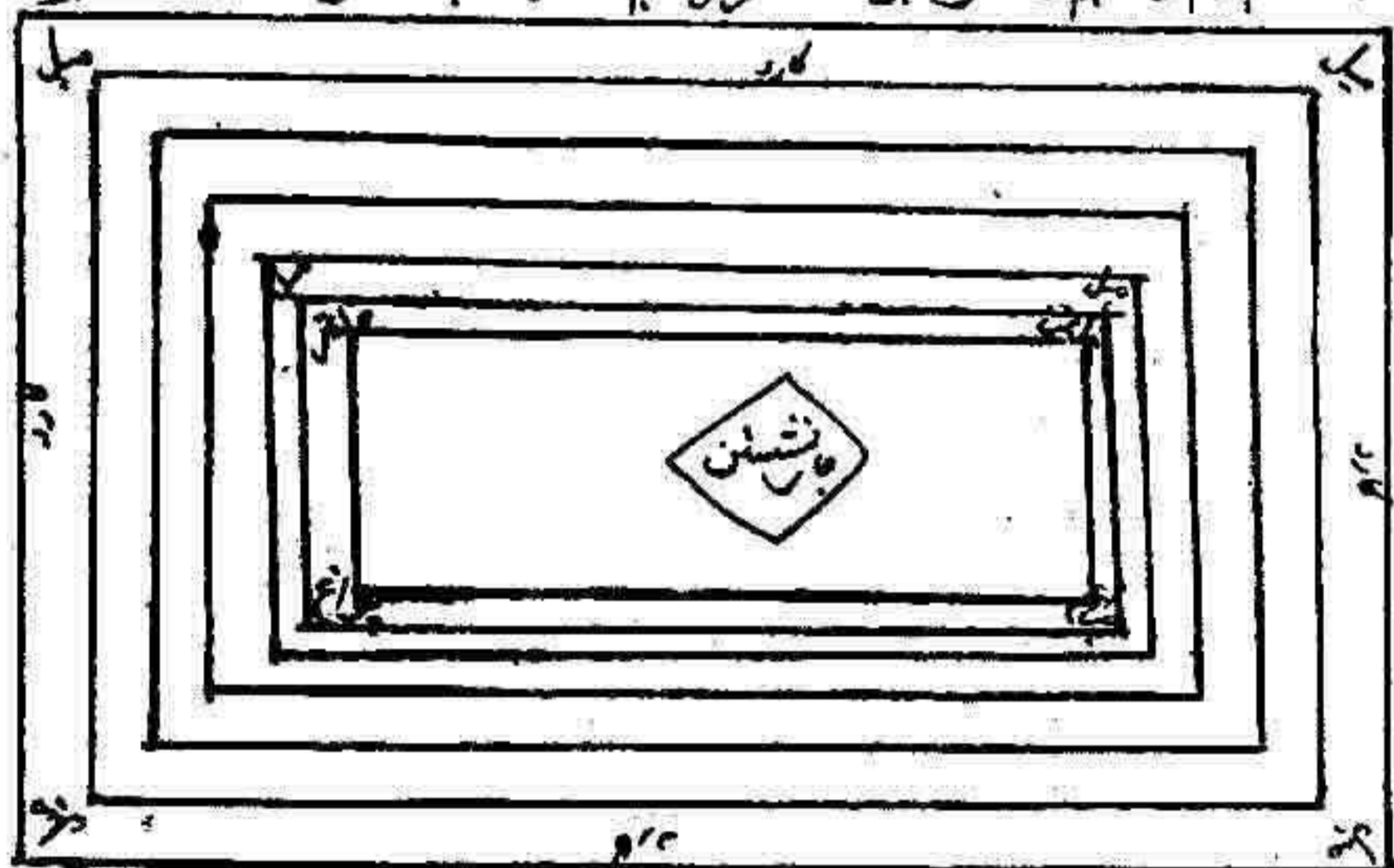
و حویب بسیار از نقره بد سازی یک سگ و بر او نقش کن در آن روز که در مندل خواهی
 در آمد و آن غریب را در وقت عظمت خواندن و در آن نگاه که در مندل مانی دائم

در دست خودداری نالایت قوی بود و نرسی و هر روز و هر شب چهار رکعت نماز
 کن بیک سلام و در هر رکعتی فاتحه الکتاب بیکار و پس بیکار و فلانوسی سه بار بخوانی
 و این بار سلام ده بعد از این عزیمت خوان و عزیمت را هزار چهار صد و چهل بیکار بگوید
 خواند و در خواندن عزیمت دایم بجز بشارت مایل کردن تا از مغزت و نرس دل تو این باشد
 و چون از منزل بیرون ای ای بن طلسم را بنویس و بخورد بند و بیرون ای هر بار که از منزل
 بیرون ای ای بن طلسم را بنویس و بخورد بند و بیرون ای و طلسم این است و الله اعلم

وزینها طلسمات را در حصه بنهان
 کن چون سرماه بپوش و بگردان

مدت شجر بگذرد هر حیوان در چشم تو بر طبیعتی شده باشد در رفتن ترا در باها
 و خشکی همان بود و کوه حجاب نشود و این اسرار عظمت خداست جل جلاله و در خواب
 هر شب بهشت را به بینی و در پنج را به بینی و میوه های بهشت بخورد و بیاری
 و این تا کفشت است زیرا ای نکه این اسرار خداست و چون چهل روز ترددت شود
 بر بپند و بداند خدا بنم چهره و لطف با و داده است و تقرب ببارگاه الهی با قدر و زنده
 جاوید شده و چهار علم از نور فرشتگان فرود دارند و در شب چهل و یکم بر سر وی
 بدارند بدانکه باران بهشتی بر سر وی نثار کنند یعنی باران رحمت حق و بند و در بگر
 بعالم سفلی النفات نماند و در پر از نور بقدرت خدا بنم بوی که بان برها بهشت
 تواند رفت و مقام پیغمبران تواند دید و با ایشان صحبت تواند داشت چون
 برود و آن مقام را به بند و میوه بهشت خوردن که در از وی مرگ شود هر چند
 از خدا بنم مرگ خواهد شد سال در عمر وی و بقولی و بیست سال در عمر وی
 بیفزاید تا هر نور و خلق فرشتگان که در و بعد از آن چند وقت چنان شود از خورد
 میوه های بهشت که بوی بهشت از وی بد و بر هر که نظر کند ولی کرد
 بفرمان خدا بنم و پیش از این تفسیر کردن حاجت نیست عقلا و علما را معلوم
 کرد و دیگر حقیقتان و نفالی و پرافوت هفت شب بدهد و آواز وی چون داود

شود بفسب خوشا و ازان دنیا و بر هر سنك و عاك كد دست نهاد با بگردان ز
 مغرب شود و با فوٹ رمانی گردد و عمل شود بقدرت خدا بنعم و عزیمت این را با حجاب
 با بدخواندن و در وقت خواندن دل را حاضر باید داشت و چراغ نیز باید که در این وقت
 جوانی نبود از روغن کن با از روغن گل بسوزانند بهر و در این عزیمت اسم اعظم است
 البت و هر نویبت اگر خواهی بکنی ما بمپاك در پوش و در جای خالی نشستی و این عزیمت
 جهل بکبار بخوان و طلسم را که در حقه نگاهداری گفتیم یکی از آن بیرون آری و برین
 نام باد شام آنکروه را که خواهی خوان روحا بنان بود و خواه جنبان بود و خوا
 ده بود فی الحال بخوان تا بپایند صغیر و کبیر ایشان و در پیش تو چون بنده ذلیل
 بایستند و هر چه فرمائی میکنند و این عزیمت خواص بی نهایت دارد شازره دفتر
 بود این مقدار کردم تا عالمان بدانند که چه مقدار ریج کشیدم و این عمل را با این مرتبه
 رسا نهادم و عظیم و مطول بود مختصر کردم مند لا ینت و الله اعلم



اگر کسی نادر علی ابن نوع بخواند بهر است بسم الله الرحمن الرحيم نادر علیا مظهر الجباب نجده عونا
 لك في التوائب الي الله حاجي وعلیه معولی كلما امرت ورومیت منشفی فی الله
 وبدال الله لی ولی کل هم وغم سینجلی بیونك باحمد بولا نك باعلی باعلی ادركنی
 بلطفك الخفی اتی من شراعدانك بری بری بری الله حدی من عندك مددی وعلیک
 معندی بالنعید وایال نسعین یا ابا الضیثا غثی یا غیاثا المستغیثین ارحمی باعلی ادركنی
 ادركنی ادركنی ودر روز جمعه سجدوسی وند بار اگر باین عدد نتواند که خایم نماید بعد ووسط
 در یک مجلس ششصد و در نوبت بخواند از امراض دی پنه محبت مابد و اگر نتواند بعد در صغیر
 روز هشت نوبت بخواند بخور نکرده و اگر در کند بعد غایم هر روز پنج بار و در کد و شب
 و روز بخواند و اگر بیک مجلس نصاب کند سبصد و چهل و چهار نوبت بخواند و بنویسد
 و با خود دارد بشک و زعفران و کاه کاه صاحب عله در او منکره و ادراد بخواند دفع مرض
 و بخوری کرده و دیگر بیمار نکرده و مشهور است که شخصی از اکابر بخوری بود و در آن مرض
 مضطر گشته و هیچ محبت نمیافت شیو جمال جهان رای حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله و سلم
 یاد خواب دید گفت بار رسول الله از بیماری شکایت میکنم اما نماز بر پای نمیتوانم گذارد و از آن شکایت
 میکنم حضرت رسالت صلی الله علیه و آله فرمودند که بخوان ششبار به شفا که در قرآن است چون از خواب
 بیدار شدم و تخم قرآن ابتدا کرد و غش بر جمع کرده و در ساختن سخن یافت و را در که بر اگر در همان
 فرض و سنت تلقین بیدار بخواند خوب تر خواهد بود و بزودا جابت شود این است بسم الله الرحمن الرحيم فاتحه الکتاب بعد
 و لكل وجهه هو مولیها فان استغوث الخیر انما تكونوا بان بکر الله جیبها ان الله علی کل شیء قدیر و سپهر کرم علیه
 و یشف صدور قوم مؤمنین و یدهبها بها الناس فلما نکه موعظه من ربکم و شفاهم فی القصد و رهدی
 و ریم للؤمنین یخرج من بطونهم اشراب مختلفه لانه فی شفا للناس ان فی ذلك لایاهوم و ینفکون و تنزل من القران
 ما هو شفا و رحمة للؤمنین و لا ینزالنا کلین الا خیارا و حکم بعض ذکر و شریف عبد ذکر یا اذ ماری رتبه نلا
 خطبا فالعذاب ان و هو العظم من و اشعل الراس شیا و لکن بلعائک رب شفا و اذ مرضت فهو شفا
 قل هو الذین منوا هدی و شفا و الذین لا یؤمنون فی اذانهم و فر و هو علیهم عینی و لکن بنا و من مکان بید
 با بصر و دفع صریح و ام العیاد صرح و یسکنی و دفع بتم نم و امن بن بکره ان است که کسی لامر که فیه بلد و یج و علاج همیشه

از نوبت بخواند

اید و خواند خواند باین در در فام نماید و اگر نتواند خواند کسی را بوجبه حلال اجازت کرد
 تا برای وی بخواند و بر وی دمد صحت نماید و اگر بخواند من میسر نشود و نویسد
 در مصرف سبده شفا یابد و اگر کسی را سحر کرده باشند و یا از جن و از وایح استیج
 رسیده باشد همین نوع عمل کند و از برای مرض ام العصبیان بر چوب عود خواند و
 در زردمان کوردک و دود کند و پروالای زود نویسد بر مشک و زعفران
 بر سحر کرده بندهند تا رفع شود و عدد کیران او را دهشتاد هزار سبده و چهل
 و نه بار است در مدت دو بیست روزی باید خواند هر روز سبده و شصت شش
 بار و در سر روز آخر هر روز سبده و هفتاد یکبار بخواند هنوز با تا رسیده آثار
 صحت مشاهده کند و دیگر سحر روی کار نکند و اگر بعد کیر نتواند بعد و وسط
 بر یک مجلس نصد و هشتاد هشت بار بخواند و اگر این میسر نشد بعد در خانم شش بار
 با خانم خانم سدر و چهار نوبت بخواند دفع مرض و علل و سحر و جمیع امراض کرد و خواهر این
 ایات که به دستار ادب خضار کوشیده در این نسخه مصلحت بود این است **بسم الله الرحمن الرحيم**
فماخذ الكتاب بعد ما بها الذين منوا صبروا وما برؤا بطلوا وانفوا الله لعلكم تفلحون ومن يخرج
من بيته مهاجرا الى الله ورسوله ثم يدرك الموت فقد وقع اجره على الله وكان الله غفورا رحيما
انكلمون الله ربى وتكلموا من دابته الا هو اخذ بناصيته ان ربى على صراط مستقيم فان لوقوا قتل
حسبى الله فقد ابغىكم ما ارسلت به اليكم وبسبب خلف ربى فوما غيركم ولا نضره شرهات ان الله
على كل شىء حفيظ وقل جبار الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا قالوا ربنا غلبت علينا
شفوتنا وكنا فوما نزاله ربنا اخرجنا عنها فان عدنا فانا ظالمون قالوا حسبوا فيها ولا
تكلمون الا حسب آياتنا من يقولوا امنا وهم لا يفتنون ولقد فتنا الذين من قبلهم فليعلمن
الله الذين صدقوا وليعلمن الكاذبين ام حسب الذين يعملون الشبهات ان يسيفوننا
سواء ما يحكمون من كان رجوا الفار الله فان اجل الله لا ت وهو السميع العليم
لو انزلنا هذا القرآن على جبل لراى به خاشعا منقادا عما
من خشية الله وذلك الا مثال نضرب بها للناس لعلهم يتفكرون هو الله الذى

لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی بیچله مافی السموات والارض وهو العزيز الحكيم باب ششم در دفع دشمنان و حوذان و موزبان و مفهور شدن اعلام و رام شدن موزبان بدین نیات بر حلو خوانند بعد کبیر و عدد کبیری دو هزار و بیست و پنجاه و سه عدد است و تصدیق کند بر نفسا اما اگر باین عدد بر حلو خوانند خواندن و در مدت پنجاه روز این خم را با نام رسانند هر روز چهل و یکبار و در هر جمع چهل و پنج بار بخوانند و در روز آخر پنجاه نوبت بخوانند و اگر خواهد مریک مجلس عدد وسط خوانند یکصد و سی و پنج بار است عدد صغیر هفت بار و خاتم ده نوبت و خاتم خاتم یکبار بهر عدد که باین وارد فنام نماید دشمن مفهور گردد اما عدد کبیر و وسط مذکور شد خاتم ده روز هر روز ده بار باید بهر نیت که خوا دشمن هلاک شود یا مفهور گردد و فاری مظفر آید و دیگر هیچکس با وی دشمن نتواند کرد و اما عهد نمیی گوید ده و فتنه در سفر حج یا در سفر دیگر حیی و امیان مرا بگرفتند و آنچه از خوث که با من بود بردند و قصد قتل من کردند معصفت جا بل داشتم اما خواستم که دو رکعت نماز بگذارم و انا ایشان منهدم بودم نماز بگذاردم و و کلام بگشادم ای که در این به مندرج است بر آمد ایند خواندن کردم جمع حاضر کشند بر اسبان بلق سوار و عامهای سفید و جامهای سبز و بهر موضع آن زمین که سم اسب نشان رسیدی سبز کنی و آب روان شدی دانستم که ایشان فرشته اند نهغها با نیزها بدست وان بدجنان را بکان بکان هلاک کردند و مرا گفتند با نمیی چون در دست ظلمه گرفتار گردی ما مقید با کسی بدست خصمی گرفتار کرد این ورد بخواند و بهر کس که اهل است تعلیم کند تا برای هر غم و الم کلی خلاصی از جناب عدو و زمان بدگوی و خصم دوری در این و با است و هم امام نمیی گوید بارهاجه

دفع عنهای کلی و کارهای مشکل و دشمنان بخبریه کردم و زود نجات یافتم و اگر خواهد
 که از نظر دشمن غایب گردد چون خصم از دور پیداکردد به یک جانب راه رود و با پل و رود
 ابتدا کند و میخواند و یاد بخورد مدد دشمن او را نمیبیند و این از موده است و از برای
 فضا عداشب سه شنبه در میان دو هیز که در دو جانب جنوب پشت بشمال این ورد را
 بعد در خانه بخواند البتة ان خصم نابود گردد و اگر لشکر بزرگی بشهر آرند خواهند
 آن بلاد را محاصره کنند و ایام ختم مبشر نکرده و از چهار هیز که در از چهار مسجد
 از هر یک قدری خاک بردارند و این ایات را هفت بار بر آن خاک بخوانند و شب
 لشکر یا شدند و در طلوع آفتاب البته منهنز مگردد و خواص این ایات فریب بدو
 جز بود در این نسخه ز یادش و در دن مصلحت نبود این است بسم الله الرحمن الرحیم
 وَإِذَا خذنا ميثنا فكمؤذنين وَمِنْكُمْ الظَّالِمُونَ خذوا ما آتيناكم بقوة واسمعوا قالوا سمعنا
 وعصينا و امر بوانی فلو بهم الجبل بكفرهم قل بشما با امرکم بما نکر ان کنتم
 مؤمنين امر الرسول بما انزل اليه من ربه والمؤمنون كل من ما به و ملائکه
 و کتبه و رسله لا فرق بين احد من رسله و قالوا سمعنا و اطعنا غفرنا لك
 ربنا و اليك المصير لا يكلف الله نفسا الا وسعها لهما ما كسبت و عليهما الاكثاب
 ربنا لا تؤاخذنا ان نسبنا او اخطانا ربنا و لا تخجل علينا امر الكا حمله على الذين من
 قبلنا ربنا و لا تخجلنا ما لا طائفة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولانا
 فانصرونا على القوم الكافرين و اعصموا بجل الله جميعا و لا تفرقوا و اذكروا نعمه
 الله عليكم اذ كنتم اعداء قال فبين فلو بكم فاصبحتم بنعمته اخوانا و كنتم على شفا
 حفرة من النار فانقذكم منها كذلك يبين الله لكم اياته لعلكم تهتدون
 قل ارايتم ان اخذ الله سمعكم و ابصاركم و ختم على قلوبكم من غير الله ما يشكم به
 انظر كيف تصرف لا يات ثم يم بصدفون اذ استغثون ربكم فاستجاب لكان
 حمدكم بالف من الملائكة مردفين و ما جعل الله الا بشرى و لنظمنن به قلوبكم
 و ما النصر الا من عند الله ان الله عزيز حكيم و عنك الوجوه التي الطومر و له خاب

من حمل ظلما ومن جعل من الصالحات وهو من فلا يخاف ظلما ولا هفنا نخسفا به و
 بداره الارض فما كان له من فتنه ينصرف منه من دون الله وما كان من المنتصرين
 وجعلنا من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشىناهم وهم لا يبصرون سلام
 فولا من ربهم افرقت الساعة والناس الغضروا ان يروا ايديهم ضوا ويقولوا
 سمعنا من ربهم وكذبوا واتبعوا هواهم وكل امرئ مستقر وليد حاجته من الانبياء
 ما فيه مزج حكيم بالغه فالغنى التذرع قول عنهم يوم يدع الذراع الى شئ
 نكر خشعا ابصارهم يخرجون من الاجداث كأنهم جراد منتشر مهطعين الى الذراع
 يقول الكافرون هذا يوم عسر كذبت عليهم قوم نوح تكذبوا عندنا وقالوا نحنون
 وازدجوا فدعى ربنا قى مغلوب فانصر ففتحنا ابواب السماء بما هم مهتم
 وفجرنا الارض عيوننا فالغنى الماء على امر قد قدر **باب** هفتم در بيان
 فرض و حفظ بدن و ايمن بودن از نكبات ابن بابث معظمه راجه حصول
 مرادات و ادای فرض و حفظ بدن و درآمدن اموال مداومت نماید يك
 صد و هشتاد روز هر روز سجد و سعی سبار و در هر جمعه هفتصد و نود
 و نوبار و در جمعه آخر هشتصد بار چنانچه در این مدت هفتاد و یک هزار و پانصد
 و نود و نوبار که عدد کبریاست با تمام رساند بهر نیت که خواهد البتة با تمام نارسد
 و مقصودش بر این است که آنکه استغناست براد بپند و اگر در باب مجلس عباد
 و سبک که پانصد و نود عدد است بخواند صاحب نصاب شود که هرگز در پیش
 و دلش ننگ نشود و ادای فرض شود و محرم روی کار نکند و اگر جاهل و بکبار
 کند و خاتم است و بد کند از اوقات و بلیات این بود و صاحب و ردا و دنیا
 با کمال ایمن بیرون رود و اگر بعد و صغیر که نه بار است بخواند البتة ابواب رزق
 بروی بگشاید و از موزان مان بماند و اگر بعد از هر نازی بکبار بخواند ما بیشتر
 روا شود و گناهانش عفو گردد و اگر کسی را کار ضرر و بسنه باشد فرض
 بر آورد و بکار خود فرومانده و در امور دنیا سرگردان و سررشته از دست آید

بهر عدد که بخواند بزودی فتح آن بسببکی وی را معلوم شود و از عهد هر عدد که خواند که
 و با نام خواند رسالت بخواند آنچه از فتح و اداء فرض و آمدن موال و معیشت و دفع
 مغزب وی شود و مقاصد بوصول پیوندد و اینست بسم الله الرحمن الرحیم امین
 بما انزل الیه من ربّه و المؤمنون کلّ من ما لله و ملائکته و کتبه و رسلا لا یفرق بین احد
 من رسلا و قالوا سمعنا و اطعنا غفرانک ربنا و الیک المصیر لا ینکلف الله نفسا الا
 و سعهما الیهما ما کسب و علیها ما الکسب ربنا لا تؤاخذنا ان نسینا و اخطانا ربنا
 و لا تحمل علینا اصرا کما حملت علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقه لنا به و اعد
 عتبا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین امین
 الله الا هو الحق القیوم قل علیک الکتاب بالحق مصدقا لما بین
 ید ید و انزل التوریه و الانجیل من قبل هدی للناس و انزل الفرقان
 ان الذین کفروا ما یأت الله لهم عذاب شدید و الله عزیز ذوالشکام
 ربنا انتا سمعنا ما دابنا دای الا بان ان منوار یریکم فامنا ربنا و اغفر لنا ذنوبنا
 و کفر عتبا ستبنا و نوقنا مع الابرار ربنا و انتا ما وعدتنا علی رسلاک و لا
 تخزنا یوم القیمه انتک لا ینخلف المیعاد یا ایها الذین امنوا صبروا و صابروا و اصابوا
 و اتقوا الله لعلکم تفلحون الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل
 الظلمات و النور ثم الذین کفروا برآئهم یعدلون قالوا ربنا ظلمنا انفسنا و ان لم
 تغفر لنا و رحمتکون من الخاسرین و الذین اذنب مغاضبا فظن ان لن
 نقدر علیه قادی ثم الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
 فاستجبنا له و نجیناه من الغم و كذلك یفی المؤمنین بسم الله الرحمن الرحیم اذا جاء
 نصر الله و الفتح و ایت الناس یدخلون فی دین الله افواجا فسیج بجد ربک
 و استخفوا انه کان نوابا باب هشتم در دفع حوام خوردن و فحش
 و غیبت و کذب و دفع شرب خمر و معاشر خلاف شرع اگر خواهند که خود را
 باردار ندانند فحش و حرام و غیبت و خطاکفتن و بطاعت حویص گردانند در شد و سب

روز هر روز رویت و پنجاه بار بخواند که عدد کبیر است و هر روز جمعه سه صد چهار
 و هشت بار و در جمعه آخر سه صد و بیست بار بخواند از بند از روز دو و شنبه کند و جمعه آخر
 کند چون عدد کبیر که پنجاه و دو هزار و هفتصد و پنجاه و یکبار است در این ایام با نام
 رساند انواع صلاحیت در ذات خود موجود بیند و بطاعت و محبت نماید و اگر کسی
 محنت دل باشد و نصیب در وی اثر نکند و مو عظمه قبول نکند و قدری از وجود در پیش
 ستجاده خود بنهد در محلی که ختم نام کند خمر کند و نه فرض مان بزد با این فرض بزرگ بزد
 و هر روز یکی از آن بخورد وی دهد دلش رفیق گردد و قاری این باب را نوبه قبول
 و طاعت مضول گردد و اگر این باب را بمشک و بنعمران بنویسد و در خوانند کاهل
 نماز پنجهان کند و اغلب نماز کرد و وضو بردار و سرد کرد و اگر بعد مذکور نتواند
 خواندن بعد دو سه که پانصد و سی و بیست بار است بخواند در جهل روز و اگر این نیز
 بیشتر نکند عدد در صغیر در سرد روز و ششش نویسد بخواند و عدد در خانم هر روز ده
 بار است و رد کند و هر روز بخواند و اغلب نماز کرد و خدا بنعم دلش را از فتنه دور گرداند
 و مطیع امر خدای تم گردد از برکت فرشت این باب کریمه و او را در شریف این است
 بسم الله الرحمن الرحيم حرمك عليك المسبنة والدم والحكم الخنزير وما اهل الغيرة الله به
 والمنخفضة والموهودة والشريرة والتطيرة وما اكل السبع الا ما ذكبت وما ذبح على
 التنب وان سئفسموا بالانلام ذكركم فسوق اليوم بئس الذين كفروا من
 دينكم فلا تخشونهم واخشون اليوم اكملت لكم دينكم وانممت عليكم نفسي ودين
 لكم الاسلام ديننا انما المؤمنون اذا ذكروا الله وجلت قلوبهم واذا نلت عليهم امانه
 زادتهم ايماناً وعلی ربهم بنوكلون قال رب تاني ظلمت نفسي فاغفر لي فغفر
 لمانه هو الغفور الرحيم باب في اتم الصلوة وامر بالعرف وانع عن المنكر واحبر
 علی ما اصابتك ان ذلك من عزم الامور سلام قولك من رب رحيم بسم الله الرحمن الرحيم
 والعاذيات ضجاً فالوريات فداها فالعبران صجاً فاشرن به نفعاً فوسطن
 برجماء ان الانسان لرتبه لکود وانه علی ذلك لشهد وانكح انجرا شدا

افلا يعلم اذا بعثنا في القبور وحصل ما في الصدور ان ربهم بهم يومئذ يخبر لبيم الله
 الرحمن الرحيم قل هو الله احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد
 باسب هتدر در بيان اظهار دفاين و معادن و حاضر كردن غايبان و كنجشگان
 چون كسي جاني كان دفينه دارد با تصور معادن بنويسد بر جامه سفيد روي ناظري
 جنبي سفيد و باب باران كه دعا خواند با شند بشويد و پياشامل و دران مغامره
 بنفشاند و بنلا و ثابان فام نامد شست شش روز هر روز سجد و هفت شش بار
 و هر روز جمعه با نصد و هفتاد پنج بار ابتدا از روز چهارشنبه كند تا هم روز جمعه شود
 اربعين نام باشد اثار نام از عالم غيب بر او مكشوف گردد و چون اربعين نام شود
 دمان بهشت شش روزاگر تواند خلوت و عزلت اختيار كند تا جمعي ازار و اسرار در خواب
 با بيداري و بار هموني كنند و اگر كسي برده كنجند بود با مال غايب شده يا خادم كنجند
 باشد با اين نام فام نامد و بنويسد و بر جاي غايب بياورد و باز ايد و بيشتر نتواند
 رفتن و شجاع بود على هدايت ده در كتابها تا اللها بيب خود او رده كه اگر كسي با معادن و دفاين
 بود بنويسد ايد و جعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها فرى ظاهرة و قد رنا فيها
 الشبر سبر و افيها البالي و ايا ما امنين و در پوسته او كه در پوست پيشاني
 شهر سپاه كبر و چون مرزاد راسد باشد بمغاره سجد بن در برابر سینه و او
 معادن و دفاين مطلع گردد و از علوم غريبه بهره مند گردد و عدد و سبط مد بگردد
 و صغبر او پنج بار بهر عدد كه خواهد بخواند او را در حجره است است بيم الله الرحمن الرحيم
 ان الله بامر كمران تؤذالا مانات الى اهلهما و اذا حكمتم بين الناس ان تحكموا
 بالعدل ان الله نعم بظكم بمران الله كان سمها بصيرا ببدون ان يخرجوا
 من النار و ما هم بخارجين منها و لهم عذاب مفهم لو ارا دوا و الخروج
 لا عدوا لعدوه و لكن كره الله انبعاثهم فقتلهم و قبل فعدوا مع القاعد
 و اما الجدار فكان لفلان مبن ببنين في المد بنشرو كان نخر كثر لهما
 و كان ابوهما صالحا فاراد ربك ان يبلغنا اشدهما

و در اين كتاب نام است
 و در ان مشهور و المشهور و در
 و در ان مشهور و المشهور و در

وینجریا کثرها رحمة من ربك وما عن امری وجعلنا بينهم وبين القرى التي باركنا فيها
 قرى ظاهرة وقد رنا فيها الشجر سيرا وفيها البالی وانا ما امنین وهر بار که ختم با نام ^{بنا}
 این سوره را بخواند بارجم بارجم از جنی بفرستد سنگت باو هاب بارزان تا بزودی
 مضمود رسد و در دولت بر روی قاری کشاده گردد و عجب ندارد و الله اعلم
 باب دهم در شرح شجر جن و ارواح و عدوی نام کردا شدن در دوام در ^{دین}
 چون کسی خواهد که ارواح جنیان را برای شنائی و مناسب واقع شود سه رعبین
 که یکصد و بیست روز است اول حیوانی کند چنه شجره داین ماهم باشد و در رعبین
 اول هر روز سه صد و هشتاد و یکبار بخواند و در رعبین دوم هر روز چهار صد
 و نود و نوبت بخواند و در این رعبین از بخور که مذکور خواهد شد آنچه خواند بسوزد و در ^{روز}
 سیم بخور دایم سوزاند از ابتدا فرات تا با نام بی بخور نباشد و بعد در رعبین ثانی خواند اما
 علامت آنست که در واقع مردم خوب صورت خوش قد نیکو منظر خواهد و ارشادش
 خواهند کرد که چه کنی بان عمل نکند و هم چنان بخواند و اگر او را و عدی علوم غریبه و مل
 دنیا کنند زنها که نزل نکند و امکان دارد که در رعبین دوم این علامت در پیدا ^{کند}
 بیند و اگر در رعبین سیم شود بقول ایشان عمل نکند مضرب کردند و مطیع شوند
 و در اجابت ارواح و شجره و شجره جن بر این عمل نیست و بی وهم و بی خطر است و سریع
 الا جا بخور سنبل و لاک سعد صندل عود قاری عنبر اشهب کافور مشک
 زعفران مجموعا بشیره قند کشته سازد و در سه روز بخورد در مندل در اید و هر روز
 ششصد و سی بار بخواند و مندل بدین طریق که نموده شد در بیرون شهر در
 باغ یا سر چشمه یا سبزه زارد و از مردم بگشود در روی قبله بر روی سجاده نشیند
 و حجره برابر روی نهاد و هنوز ختم با نام رسانده باشد که جمعی ظاهر کردند
 و با وی بیعت کنند و مطیع وی گردند و خانم بوی دهند و براد برسد و چون
 خواهد که از مندل بیرون آید دو رکعت نماز بگذارد در هر رکعتی فاتحه الکتاب بگوید
 و بارزه باران لکری نام فیها خالدون و چون بیرون آید شهر بخنی تصدی کند

نادر

نادوشی جاوید ماند و بعد از مندل دایم بخورد بسوزد و اگر نینم و غیره خواهد هر روز
 این او را در دو نوبت و در کند و بخواند و هرگاه که او را کار کلی با همی بزرگ پیش
 آید در یک هفته یا صد و هشتاد و یکبار بخواند آنچه تواند باید که در اسبوع این
 عدد بخواند و بخورد بسوزد و از آن جماعت ملا و طلبد مدد کلی باید در جمیع امور
 و این شجر هیچ خطر ندارد و جزوی و بنایب بحریست بسم الله الرحمن الرحيم ان
 ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ايام ثم استوی علی المرثین فی
 اللیل الثمار یطلب حثثا والشمس والقمر والنجوم مسخرات بأمره الا انکم تعلمون
 ان الله رب العالمین والصافات صفا فان اجرات زجرا فالتالیات ذکر ان الله
 لو احد رب السموات والارض وما بینهما ورب المشارق انما زینا سما الذینا زینوا
 الکواکب وحفظا من کل شیطان ماردا لا یتمعون الی الملاء الاعلی و یفقدون
 من کل جانب دحورا ولهم عذاب واصب الا من خطف الخطفة فانیسره شهاب نایف
 فاستقمهم اهل شد خلفنا امن خلفنا انا خلفنا هم من طین لازب باقونا اجیوا
 داعی الله واصوابه یغفرکم من ذنوبکم و یجیرکم من عذاب الیم ففتنا ابواب
 الثمار جماء منهمر و فجزنا الارض عبونا فالتقی الماء علی امر قد قدر باعشر الیم
 الانسان مستطعم ان ینفذوا من اطوار السموات والارض فانفذوا لا ینفذون
 الا بسطان قل الی الی انما اسمع نقر من الیم فقالوا انا سمعنا قرنا عجا بصد
 الی المرشد فامتابه ولین لشرک ربنا احدا وانما نعلی جد ربنا ما اتخذ صاحبه
 ولا ولدا وانما کان یقول سفینا علی الله شیطا بسم الله الرحمن الرحيم
 اذا جاء نصر الله والفتح و راہت الناس بدخلون فی دین الله افواجا فسیج بجد رب
 واستغفرا انما کان نوابا ما بسب با زدمرد رحمت والفت میان ملک
 و مطلوب و ازواج خادم و مخدوم ابن ابان کریمه را با ان محبت کوبند و در مدت
 یکصد و بیست روز پنجاه و دو هزار و سیصد و چهل هشت نوبت بخواند هر روز
 چهار صد و سی و شش نوبت بخواند و در روزهای جمعه چهار صد و سی و هشت بار و در

چهار صد و چهل هشت با بخواند و ابتداء از روز پنجشنبه کند تا جمعه تمام شود
 در یک محل خواند و در بجانب مطلوب کند و در وقت خواندن عنبر و سنبل و سداب
 بسوزد پیش از آن که ختم با تمام رسد مثلاً ایشا الفتن و محبت پیدا شود چنانچه نار و زرد
 قطع نشود طالب را از مطلوب فایده هارسد و اگر این عدد مدبر نگردد که عدد کبیر است
 در هشت روز که عدد وسط که در وقت و هفتاد هشت بار است بجا آورد و خاتم خانم که
 چهل هشت نوشت است و رد باید کرد و عدد در صغیر این واد چهار فونیک است هر که
 بخواند الفتن بینها واقع شود و اگر این باث کریم را بر شکر خواند و بهر کس که دهد
 محال و گردد و اگر نضر فلوب عوام الناس کند و رد باید کرد و بهر عدد که تواند
 دایم بخواند تا نضر عوام کند و اگر نویسد و با خود دارد اثر عظیم دارد و باید که معطر
 دارد و بلك و عزیز خواص بسیار بیند **بسم الله الرحمن الرحيم**
 زين للناس حب الشهوات من النساء والبنين والفضا طهر المظننه من الذهب
 والفضه والخيل المستومنه ولا نعام والحمر تلك مناع الحياه الدنيا والله عند
 حسن الكتاب فلان كنتم تحبون الله فاتبعوني بحبكم الله ويعترف لكم دنوبكم والله
 غفور رحيم ها انتم اولاً تحبونهم ولا يحبونكم وتؤمنون بالكتاب كله فيما
 رحمة من الله لئن كنتم اولاً اولئك نطرا غلبنا القلب لا نفضوا من حولك فاعف عنهم
 واستغفر لهم وشاورهم في الا فاذا عزمت فتوكل على الله ان الله يحب المتوكلين
 يحبونكم يحب الله والذين امنوا شدحبا الله فسوف ياتي الله بقوم يحبهم ويحبونه
 اذله على المؤمنين اعزة على الكافرين بما هدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم

والسلام على من اتبع الهدى

بجہٴ دزد بردہ فدحی بیاورد و پیر از آب کن
 و انشتر در میان آن فدح آب بینداز و این
 دعا بخوان با اسم یکی کہ گمان از وی میداری
 و با اسم هر کہ حرکت کنند در میان فدح آب

دزد بان است هذا دعایست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ رَبَّ السَّمٰوٰتِ وَاَرْضِ

وَرَبِّ الْمَآءِ وَرَبِّ الْقَدَحِ بِاَمَّا لِكَ

الْمَلِكِ تُوْتِي الْمَلِكُ مِنْ تَشَاؤُ

وَتَنْزِعُ الْمَلِكُ مِنْ تَشَاؤُ وَتَعْتِزُ

مِنْ تَشَاؤُ وَتَنْقِلُ مِنْ تَشَاؤُ بِبِيْدِكَ

الْخَبْرَاتِكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

اِنْ كَانَ فُلَانُ بِنِ فُلَانٍ طَاجِبُ السَّرِقِ

فَلْيَدْرِكَ فِيْ ذَالِكَ =

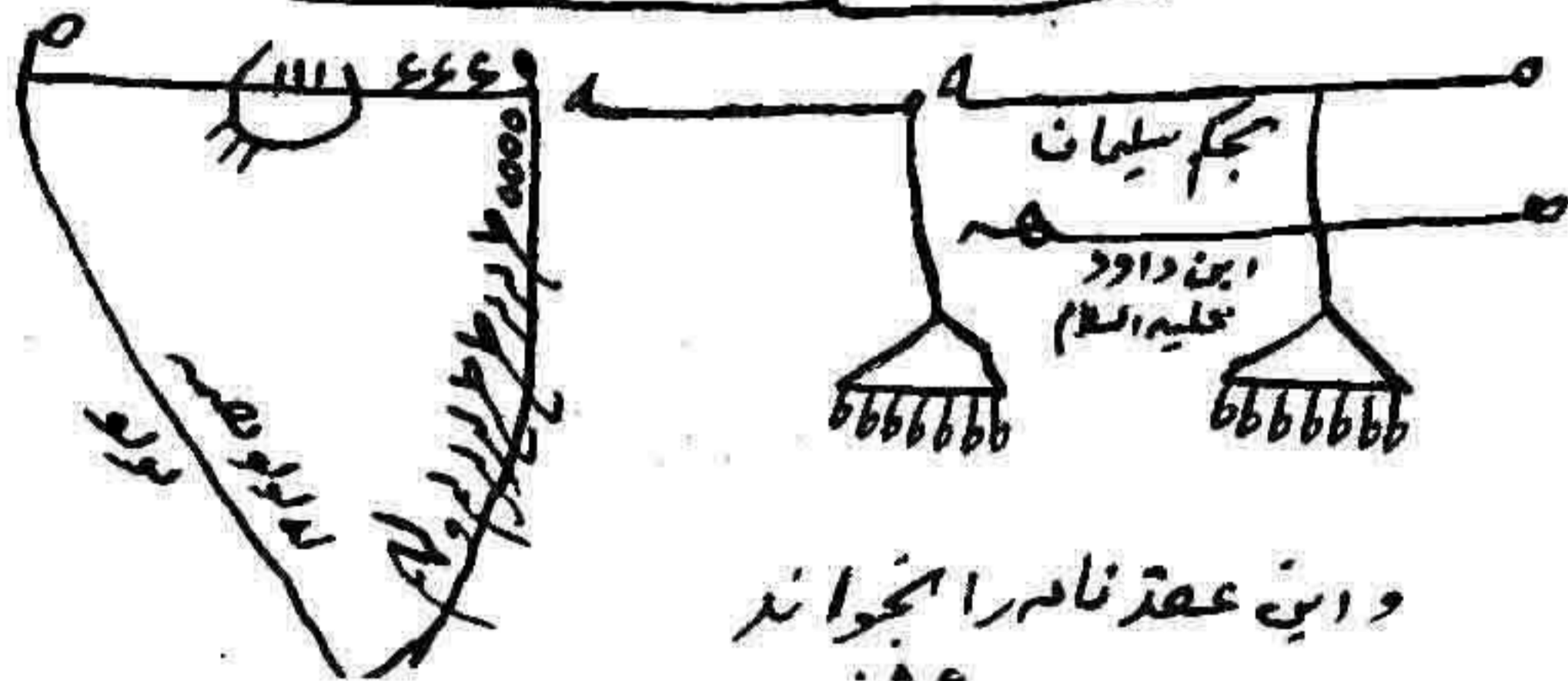
دعا کند باید برابر یار بدارند این است
 و هم با آیه سحر بنویسد بر آرزوی بسیار به بند
 بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ بِطَلَبُوا بِطَلَسُوا مَا الرَّحِیْمِ
 حَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكِیْلُ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیْرُ
 وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِیْنَ تَمْلِیْحًا
 مشکینا مشلینا مرنوش دبر نوش و سا و نوش
 کشطیطیوش و قطیر طا + آیه سحر این است
 اِنَّ رَبَّکُمْ اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ
 وَ الْاَرْضَ فِی سِتَّةِ اَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰی
 عَلَی الْعَرْشِ یَغْشٰی اللَّیْلَ وَالنَّهَارَ
 یُظَلِّهٖ حَتِّیٰ تَاجِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنَّجْمِ
 سَخِرَاتٍ بِاَمْرِ الْاِلٰهِ الْخَلْقِ
 وَالْاَمْرُ تَبَارَکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ
 توضیح احضار در صفی که سببه در بیان احضار
 است و سلام

سبيله در بيان احوال جن بداند هرگاه کس را آزار جني عارض شود
 اين طلسم را برابر رو او بداند و نزد قيان خود را در زیر مندل
 به بيند و همه را دعوت کند بپرسد که چند کس است يا کيد يا دو يا سه يا چهار يا پنج يا شش يا هفت يا
 وقتيکه ديد و عارا صاحب احوال از نزد صاحب آزار سهاان
 و از او پرسد که آنها را من بيني حالا کجا هستند چون با طرف
 نظر کنند در یک طرف بيند آنها را و در پيش خود طلب کنند
 تا نزدیک بيايند بعد از آن دعوت کنند باز آنها بپرسد
 که اين فقير با شما چه کرده است که شما او را ميرنجانيد خواهند
 گفت که آدم ما را کشته است يا سوزاننده است يا آزار رساننده است
 بعد دعوت کنند التماس کند آنها را که تقصير او را
 من عضو کنید و بنجسید و بالغه نمانيد يا آنها گویند که ^{بختيم}
 و بعد از آن آنها را بچهار کتاب و صد بيت چهار هزار
 پيغمبر قسم دهد که ديگر او را نرنجانند تا سه دفعه دعا را
 بصاحب آزار بدید باين نوع صلح و قسم دهد آنها را
 و دعای احوال را بخواند حاضر شوند بدون تا مل
 و اين طلسم را بر دست صاحب آزار بنويسد

صاحب ص الحظ ۱۳۷۳ اوس ملير ما ملاح
 هرگاه جن اطاعت نکند اين نامها را بنويسد با نش
 اندازد - مافوق مافوق مافوق
 لا فوق قاقوق سا فوق حافوق

و دعای غلط منزل که باید صاحب آزار نگاه کند این است
 که معروف بدست گیرد نظر کند تمام مدعیان خود را در پایی
 خاتم به بند هذا طسم - بسم الله الرحمن الرحیم
 طوبیاً الرحمن بطلموساً لرحیم حسینا الله ونعم
 الوکیل فنعم المولی ونعم النصیر و صلی الله علی
 محمد و آله اجمعین تمیلینا مشکنا مثلثا مرئوش
 دبر فوش شاد فوش کشت طیطوش طیوش و قطر
 حملوس اروش ماروس بطروس ملوناس جهوراه
 و باورشاه و نیل ماه جاه سلوس خلق و صلی الله
 علی محمد و آله اظهارین

یا ص	طرف	خط	لطیف
۸	۱۱	۱۳	۱
سف	تلف	ههف	لف
۱۲	۲۱	دسو	۱۲
است	هنف	۹	دک
۳	۱۱	عف	دالط
حف ۱۱	هیجا	۱۴	۱۶



عقدنا به این سبب
 عَقَدْتُ عَقْدًا غَدِيدًا وَعَقَدْتُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَجَلْبِيكَ اَفْحَسِبْتُمْ
 اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَارْتَكُمُ الْاِيْنَا لَا تَرْجِعُونَ
 اذفا این عقد را بخواند و در میان زکوه زند مطیع شوند
 عَقَدْتُكُمْ عَقْدًا صَرِيحًا صَحِيحًا حَكِيمًا مِنْكَ لَنَا كُنْهًا وَاَوْفَى
 بِعَهْدِ اللّٰهِ وَعَهْدِ رَسُوْلِهِ وَبِحَقِّ نَفْسِ خَاتَمِ سُلْطٰنِ بِنِ
 دَاوُدَ ۴ التَّجْلِ التَّجْلِ التَّجْلِ - بعد از آن هر چه بخواند
 برسد و این دعا را بخواند اِنِّصْرَفُوْهُ بِحَقِّ
 آه آه آه آه آه آه يَا اَيُّهَا التَّمَلُّ اَدْخُلُوْهُ
 مَكَانَكُمْ لَا يَخْطِئُكُمْ سَلِيْمَانَ وَجُنُوْدَهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ
 اِفْتَحْ لِسَانِيْكَ وَفَتَحْتَ السَّمٰوٰتِ يَا مَسْمُوْمٍ وَفَجَّرْنَا
 اِلَّا رِضْ عَيْوُنًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلٰى اَمْرِ قَدْرٍ
 اَمْرٍ دَرَمْتَنِ بَاخِرٍ وَاَقْعُ شُوْدُ وَقْتِ مَرْخُوْكَ نِهًا اِنِّ
 بِمَوَانِدِ وَا مَا مُحَمَّدٌ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَّتْ
 بَيْنَ قَبْلِكُمْ اَرْقَانِ مَاتِ اَوْ قَبْلَ اِنْقَلَبْتُمْ عَلٰى اَعْقَابِكُمْ
 هَذَا الدَّعَاۃِ الْاِحْضَارِ بِيْجِ مَرَاتِبِ بِنُوَا نَدَا طَافِرُوْنَ

هذا دعاء

قوف قوف طلّيش مرّيش انزلوا بحقّ طرّيش
 مرّيش اُحضروا بحقّ هذا اليوم ملك من ذبّة
 بحقّ ميمونة ايا نوحه ملك ابيض ملك احمر برقا
 يهودية ملك شموش نصرانية اُحضرننا تردى
 بما سلك بحقّ لو انزلنا هذا القرآن على جبل
 لرايته خاشعاً متضرعاً من خشية الله
 وتلك الاملثال نضربها للناس لعلهم
 يتفكرون هو الله الذي لا اله الا هو
 الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن
 العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون
 هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء
 الحسنه ما في السموات والارض
 وهو العزيز الحكيم الخلاء الخشي اقبعا
 حليشي بحليش حليش حليش حليش حليش
 اقبعا رقبعا الهوط لا حول بكبرية بحجروه
 الوحا الوحا الوحا يا ايا يعقوب

شَمْرَدَلِيَا وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ يَا مَيْمُونُ قَرِيضِي
 أَنْ طَا طِيَا يَا تَرَكْرُو دَرَسْتَتْ بَدَلَهُ خَضْرَعِ
 بَيْنَ مَلِكٍ بَعْجِ عَجْمِ الْأَزْدَعَانِ عَالِمِ طَيُّومًا
 صِيطَغِيرِ دُونِ الْأَطْدُولِ بِعِزَّتِكَ يَا نَجَّيَا نَجَّ
 يَا هَابُورِيَا اذْوَيَا يَا صَاوَتِ يَا آلِ يَا اِبِلِ
 يَا شَدِي إِهْبَطُوا مَرَمَاتِ الْخَلْقِ يَدْفَعُ الْبَاطِلَ
 خَذَعًا إِلَيْكَ يَا مَطِطْرُونَ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ
 يَا أَرْوَاحَ الْمُقَدَّسَةِ الْمُرَكَّبِينَ الرُّوحَانِيْنَ
 يَا سَمَاءَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَفَرَقَانِهِ الْحَكِيمِ وَأَقْسَمْتُ
 عَلَيْكَ يَا حَبِطُونَ نَاشِ بِحَقِّ الْحَيِّ الْقَيُّومِ
 سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ وَبِحَقِّ الْوَجْهِ
 يَا مَنْ قَرِشٍ وَبِحَقِّ الْمَبْطُطَرُونَ
 الْمَلِكِ أَنْ تَخْضَرُونَ وَأَرْوَاحَ الْمُقَدَّسَةِ
 الْمَوْكَلَةِ بِهَذِهِ آيَةِ الشَّرِيفَةِ

الْعَظِيمَةَ بِحَضْرَا وَاجِدِيُوا دَاعِيَ اللَّهِ
 بِحَقِّ ابْنِ تَرَابٍ فِي جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ
 حَجَلُوا عَجَلُوا عَجَلُوا وَلَا تَأْتُوا أُمَّرِي بَارَكَ اللَّهُ
 فِيكُمْ وَعَلَيْكُمْ هَلِيَطُوشِ عَطْمُوشِ كَطَلِيَشِ
 كَيْطَاشِ كَيْطُوشِ طَهْرُمُوشِ حِينَا هُورِشِ
 يَا هُوَطَارِشِ يَا كَتِيوَهُوشِ يَا كَهْرُمُوشِ
 يَا أَعْلَى فُوشِ الْمَلِكِ وَأَنْتِ وَأَصْحَابِ الْمَسَاءِ
 السَّامَةِ السَّامَةِ الْعَجَلِ الْعَجَلِ بِالْإِذْنِ اللَّهُ الْقَوِيُّ الْقَادِرُ
 الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بِلَا مَعِينٍ وَلَا ظَهِيرٍ وَالْإِسْلَامُ اللَّهُ
 تَعَالَى عَلَيْكُمْ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَيْدِيهِمْ سُبُوحٌ مِنْ تَارِ
 وَنَحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ يُضْرِبُونَ وَجُوهَكُمْ وَأَذْيَابَكُمْ
 يُسْرِعُونَكُمْ إِلَى النَّارِ مِنْ كَيْفِ الْحِجَابِ بِكُمْ
 وَبَيْنَ نَا طُورِي هَذِهِ حَتَّى رَأَيْتُمْ وَعَيْنُهُ
 وَكَلِمَتُهُ أَمْرٌ دَرَسْتُمْ تَأخِرُ كُنْتُمْ بَيْنَ جَارِي
 بِنُورِ دَرَسْتُمْ إِذْ أَرَادَ طَهَطَاشِ مَهِيَطَاشِ
 قَرَطَهُوشِ قَهَطَاشِ وَالسَّلَامُ

طریقه دیگر احضار در خانه که بسیار روشن نباشد بروند
 و طاس مس سفید با نقش بر او آب ریخته و این مربع را
 بر روی آب طاس انداخته بمبروع بگویند که در آب طاس
 بر مربع نظر کنند هرگاه جن حاضر شود التماس کند که دست
 از وی بردارید اگر حاضر شدند فیها و ایشانرا قسم داده
 مرحضت کنند اگر در طاس حاضر نشوند این احضار را
 بخوانند و هر مرتبه که بخوانند پرسد که حاضر شده اند یا نه
 و قسمه حاضر شدند پرسد چند نفرند و وقت مرتبه میزنند
 این احضار را بخواند اگر ضایحه با خواندن عزایم هم حاضر
 علت از جن نیست بلکه مرض طرح دیگر است و این
 مکررا تجربه شده است بخور صندل و کندر و تخم کشمش
 بسوزانند و عزیمت این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ عَزَمْتُ الْكَلِمَةَ يَا مُوسَى الْيَحْيٰى
 اِنْ كُنْتُمْ يَهُودًا يٰحَقُّ تَوْرَةَ مُوسٰى بْنِ عِمْرَانَ
 وَتَسْعَ اٰیَاتِ بَيِّنَاتٍ وَالتَّوْرَةِ وَكِتَابِ مُسْتَوْرٍ
 اَهْبِاسًا هَبَا اَدْوَمِ اَصَاوِثِ الشَّدَاىِ
 وَاِنْ كُنْتُمْ نَصْرًا يٰحَقُّ اَلْاِنْجِلَ الْعَظِيْمِ وَبِحَقِّ
 عِيسٰى بْنِ مَرْيَمَ

وَإِنْ كُنْتُمْ مَجْرُوسِينَ بِحَقِّ صُحُفٍ مِنَ الْكِتَابِ وَمِنْ حَقِّ
 آيَاتِهِمْ وَبِحَقِّ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالشَّجَرِ وَالْمَاءِ
 وَالتُّورِ الْمُنِيرِ وَالسَّقْفِ الْكَبِيرِ وَبَيْنَ النَّقَائِدِ
 وَبِیَوْمِ الْقَدِيرِ الْإِقْدَاسِ وَالْبَيْتِ الْمُقَدَّسِ
 وَإِنْ كُنْتُمْ مُسْلِمًا بِحَقِّ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَإِلَى الْقَدِيمِ
 وَالْكَتَبَةِ وَالْإِيمَانِ وَالنَّبِيِّ الْكَرِيمِ
 مُحَمَّدٍ وَأَصْحَابِهِ الْعَظِيمِ وَالْعُلَمَاءِ وَذُرِّيَّتِهِ
 مِنَ الْخَاصِّ وَالْعِیْمِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا
 الْمَلِكُ الْجَنِّ يَا عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ عَبْدِ الرَّحِيمِ
 أَحِبُّونِي بِحَقِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْمَوْطِنِ
 وَبِحَقِّ جَمِيعِ الْمُلُوكِ الْجَنِّ وَالشَّيَاطِينِ
 وَبِحَقِّ دِينِكُمْ وَمَنْزِلِكُمْ وَمَلِكِكُمْ وَمَقُورِكُمْ
 وَرُسُلِكُمْ وَإِمَامِكُمْ وَكِتَابِكُمْ وَقَبْلِكُمْ
 أَجَبِيؤ دَاعِيَ اللَّهِ بِحَقِّ آيَاتِهِ تَرَاهِيًا

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَاتُونَ مُسْلِمِينَ بِحَقِّ
 قَوْلِ آدَمَ إِلَىٰ إِنَّهُ أَسْمَعُ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا
 إِنَّا سَمِعْنَا قِرَاءَتًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الْرَّشْدِ
 فَأَمَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا
 وَإِنَّهُ لَغَالِيَةٌ رَبَّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا
 وَإِنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ
 شَطَطًا اسْرِعُوا وَاجْبِسُوا وَأَطِيعُوا بِحَقِّ
 وَالتَّصَافَاتِ صَفًا فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا فَالتَّالِيَاتِ
 ذِكْرًا إِنَّ الْفَكْرَ لَوَاحِدٌ لِلْمَسْمُورَاتِ
 وَأَنَّى رَضِيَ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَقَّ الْمَشَارِقِ
 وَالْمَغَارِبِ إِنَّا زِينَا السَّمَاءِ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ الْكُرُوبِ
 وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَلَا
 يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ
 وَيَقْدِفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ دُخُورًا
 وَلَهُمْ عَذَابٌ وَأَمَّا الْإِنَّمُ مِنْ خَطْفِ
 الْحِطْفَةِ فَاتَّبِعْهُ شَهَابًا نَاقِبًا تَامًا...

احضار دیگره باب بیاز بنویسد این متر را
 زیر طاس گذارد شروع در احضار کنند
 یا متنی نایل یا مخفی کتوا اقا ک حکلا
 و اکی کباتما ط کالاناک ارجک مالاح مالاح
 فرانی ارجف سالاح من وانکر حیا ط املق
 امرای حبیا ط بحق الله من سلین و انه بی الله الرحمن
 اگر خواهی که جنیان را حاضر نماز هفت مرتبه سوره قل
 اوحی را بخوان و بعد از آن این غزایم را بخوان
 که ذکر خدایت اگر خواهی بدان که در درختگی
 و سبتلی و جزع یا جنون کایا سرسام یا ما لا فویا
 یا سودا یا مرضی دیگری که علامت معلوم گردد
 و خسرنا بالغ بیاور و انکشت بزرگ او را با سیاهی
 مرکب سیاه و چرب کند و چادر شب در او انداز
 و بوی خوش در آتش انداز و هیاره نبات
 پیش خود کند و نقره در طاس به بنداز و آب
 پاک بطاس بریز و دست مال آب ندیده بروی طاس
 انداز دو به پشت کارد بطاس نزنند و غزایم را بخوانند

حاضر شوند از طفل بپرسد که بیچاره چه خواهد کرد
هر چه ایشان گویند عمل کنند عزایم کبیرا بن است ازین اعتراف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ^{نیت} اَوْ مِنْ اَعْمُرٍ وَجَبْرًا
بَشِيرًا بَشِيرًا هَلَكَةً هَلَكَةً شَاكَةً يَا كَانِيْدَ وَشَاكَةً
يَا كَانِيْدَ وَشَاكَةً اَفْرِيْدَ كَانِ خَدَايَ تَعَالَى مِيْبَاشِيْدَ
وَ حَاضِرِ شُوِيْدَ وَ مُنْخَرِّجِ مَنْ شُوِيْدَ وَ اِطَاعَتِ

مَنْ كُنِيْدَ وَ كَرَمِ مَنْ اِزَا اِطَاعَتِ مَنْ زَبْحِيْدَ
وَ فَرْمَانِ بَرْدَارِ مَنْ شُوِيْدَ بَعِزَّةِ اَللّٰهِ وَ قُدْرَةِ اَللّٰهِ
وَ حِكْمَةِ اَللّٰهِ وَ بِحَقِّ حَضْرَتِ سَلِيْمِيْنِ وَ خَانِمِ
سَلِيْمِيْنِ وَ حَشْمَتِ سَلِيْمَانِ وَ مَمْلَكَتِ سَلِيْمَانِ وَ عِدَالَتِ
سَلِيْمَانِ وَ بِحَقِّ عَهْدِ نَامَةِ سَلِيْمِيْنِ بِنِ دَاوُدَ
وَ بِحَقِّ اَنَا نِيْدَ دَر تَوْرَايَةِ مُوسَى سَبِّ وَ بِحَقِّ
اَنَا نِيْدَ دَر زَبُورِ دَاوُدِ سَبِّ وَ بِحَقِّ اَنَا نِيْدَ
دَر اِنْجِيْلِ عِيْسَى سَبِّ وَ بِحَقِّ اَنَا نِيْدَ دَر صُحُفِ
اِبْرَاهِيْمِ سَبِّ وَ بِحَقِّ

وَبِحَقِّ أَنَا نَبِيكَ دَرُفَرُ قَانِ مُحَمَّدٍ ۲۳۳ سِت
 نَهْ اَزْ كِيَا لَهْ رَاهْ بِيَا يِدِ وَا رُزْدَه سَنَالَهْ رَاهْ بِيَا يِدِ
 وَا رُزْيَا صُدْسَالَهْ رَاهْ بِيَا يِدِ وَا رُزْ بِلْمَاهْ رَاهْ بِيَا يِدِ
 وَا رُزْ يَلْمَهْ رَاهْ بِيَا يِدِ وَا رُزْ بِيَرُوزَهْ رَاهْ بِيَا يِدِ وَا بَكُو يِدِ
 اِنْ نَبِيَهْ كَنَاهْ كَار رُوزْ كَار جِهْ كَنَاهْ دَار دِ وَا رُزْ كَنَاهْ
 اَوْ دَرْ كَنَزِيْدِ بِحَقِّ خَاتَمِ سَلِيْمَانِ رِبْنِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 وَبِحَقِّ يَا طَمِيْحَتَا يَا مَلِكِيَا يَا مَالِكِ الرَّقَابِ
 وَا اِلَهِمَّ وَبِحَقِّ يَا قَا طِيْمَا مَنْطُو شَا وَبِحَقِّ
 يَا مَرْلَشِ دَا عِيَا بُو شِيْ مَشْطُو تَا يَا مَشْطِيْنَهْمَا
 يَا عِنْوَانَ الْجِنِّ وَا اِلَهِمَّ يَا مَسِيَا يَا مَظْلَمَا
 يَا مَاسِيْحَ اللّٰهِ وَا مَا يَعْلَمُ التَّسِيْرَ وَا الْخَفِيَا تِ
 وَا مَا تَحْمِلُ كُلَّ اُنْثَى وَا مَا يَنْفِضُ الْاَرْحَامَ
 وَا نَزْدَادَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَا عِنْدَهُ بِمَقْدَارٍ
 وَا مَا يَجِي سَرِيْعًا سَرِيْعًا مِنْ لَمْعِ الْبَرْقِ

البرق التي طف اسرعوا بحق هذه الاسماء وسعاري
 ثنا نوتش بطلح فخطوش عكرو وش مكثات
 اسرعوا واطيعوا عزمت عليكم انكم تعلم القرآن
 بسورة الرحمن بالفرق والطوفان تحت
 العرش بشدة والعطش بحكم النفس يا بة الكرم
 يعلو السماء بتضريح الى الله ثنا مع الليل والنهار
 يوج الرسل بيلة القدر بفرايض الكتاب
 يا ايام الجمعة بكثرة اسمائك بعد دفعتك
 بنهروض الكتاب يمكنون عينك برباد
 عهدك اركوا عزمت عليكم بجوار الكرم
 برادق العرش بحملة الكرم
 بخاتم الجبار سليمان بن داود عليه السلام
 بسم الله الرحمن الرحيم ان لا تقلوا على واذني
 مسلمين وانه منكم يا من ذهب ارجب
 اثنت واعوا نك وانست يا صاحب
 المذهب الملك الجبار بحق هذه الاسماء عليكم

يا عبد الرحمن يا عبد الرحيم يا معشر الجن والانس يا ذا القلوب
 سبعة اعضائها بكل زمان وساعة بكل ارض وكل ارض
 ومكان واظهر واعلها عظمت عليكم يا سبحان المسبح والسوايح
 وانصفت بك من شر الجن والانس والافريس والاشياطين
 والاثبات من كل افة وعاقة وعظمت بك يا الله بحجة
 ابيح ما ابيح وبجرمة دانيل بقرش وبجرمة ابيشراها
 اصاعوت وبجرمة انصفت بالله يا الله احفظني بكل بلاد
 وعاقبة وعاقة بجرمة موسى وعيسى وبجرمة ذكرا وشماعل
 ويحي وبجرمة ادريس وشيث وبجرمة حضرت محمد المصطفى
 نوطت على الحى الذى لا يموت وحق انصفت بك من شر
 الجن والانس بقرايت النفع والنجاة الدعاء يا غياث المستغيثين
 يا من لقس كمنله يشى وهو السميع العليم حسبنا الله ونعم
 الوكيل نعم المولى ونعم النصير صلى الله على محمد وآله اجمعين
 فرمت عليكم يا معشر الارواح والاشياطين والجن وعزمت
 عليكم على المؤمنين منكم وعلى الكافرين منكم
 ومن يسكن البر النعمان ومن يسكن الماء وسكان
 الارض والجبال عزمت عليكم يا معشر الجن والانس
 والآية والمجوس والمجوسية واليهود واليهودية
 والنصراني والنصرانية والمسلم والمسلمة عزمت

عَزَمْتُ بِعِزِّ سِمَةِ اللَّهِ سَلِيمِ ابْنِ دَاوُدَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي
 سَخَّرَ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالشَّيْبَانَ طِينِ وَالطُّيُورِ
 وَالْوَحُوشِ وَبِحَقِّ أَسْمَاءِ اللَّهِ التَّامَاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
 وَبِرَّاءِ ذُرِّاءِ عَلَيْهِمْ وَبِحَقِّ أَدَمَ أَبُو الْبَشَرِ وَبِحَقِّ نَعِيثِ
 وَهَابِيلِ وَادْرَكِيْسِ وَنُوحِ وَلُوطِ وَابْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ
 وَاسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كَلَّامًا هَدَيْتَنِي وَنُوحًا هَدَيْتَنِي قَبْلَ
 وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَيُوسُفَ وَيَعْقُوبَ
 وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ يُخْبِرُ الْمُحْسِنِينَ
 وَبِحَقِّ ذِكْرِ يَا وَحْيِي وَعَمِّي وَحَضْرِي وَالرَّاسِيسِ
 وَبِحَقِّ كُلِّ مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِنْ عِبَادَةِ وَالْبَيْعِ
 وَذَوِ الْكُفْلِ وَذَوِ الْقُرْنَيْنِ وَطَالُوتَ وَبِحَقِّ
 عِزْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَجِبْرَائِيلَ
 وَبِحَقِّ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى وَعَلِيٍّ نُوحِ فِي الدُّنْيَا
 عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِإِنْتِشَارِ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ فِي تَوَارِيهِ
 وَبِحَقِّ كُلِّ سُورَةٍ وَآيَةٍ وَحَرْفٍ وَكَلِمَةٍ فِي تَوَارِيهِ
 وَبِحَقِّ كُلِّ أَمْرٍ وَنَهْيٍ فِي تَوَارِيهِ أَحْتَضِرُوا يَا ذُنَّ اللَّهُ تَعَالَى
 الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا أَرْوَاحَ الْجِنِّ
 وَالتَّشْيَاطِينِ وَالمُؤْمِنِينَ وَالمُكَاْفِرِينَ وَالمُكْرِبِينَ
 وَالمُرْتَابِينَ وَالأَمْرَاءَ وَالسُّلَاطِينَ وَالأَنْبِيَاءَ
 وَالمُشِيخَ وَالثَّاقِبِ بِإِذْنِ اللّهِ تَعَالَى القَدِيمِ القَدِيمِ
 العَلِيِّ العَظِيمِ ابْنِ القَلْبِ إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ
 وَالكَلِمَةَ وَالأَيْتَانَ وَالطُّورِ وَكِتَابِ مُسَطْوٍ
 إِنْ كُنْتُمْ نَصْرَانِيًّا وَبِحَقِّ ابْنِجِيلِ عَمِي بْنِ مَرْيَمَ وَبَيْتِ المَقْدِسِ
 وَابْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاصْحَابِهِ وَعِلْمَانِهِ وَكِتَابِهِ
 بِلَهِيْعَصَ وَطَهَ وَمَعَسَقَ وَالمَكْحَصَ وَنَسَ وَالقُرْآنِ الحَكِيمِ
 وَتَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ المُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
 عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا ابْنَ بَابِلِيسَ سَيِّدِ التَّشْيَاطِينِ مَلِكِ البَرِّ
 وَالجَرِّ وَصَاحِبَةَ النَّارِ وَالسَّرِيرِ يَا عَيْنَهُ يَا سَيِّدَهُ
 اللِّقَبِ وَالصُّلْبِ وَابْنِجِيلِ الأَعْظَمِ بِحَقِّ قُرْآنِهَا وَالأَصْحَةِ
 وَالأَنْوَمِ وَالأَكْلِ وَالأَشْرَبِ بِحَقِّ نَصْرَانِيَّةِ وَالبَيْتِ المَقْدِسِ
 وَبِاسْمِ اللّهِ العَظِيمِ الأَعْظَمِ العَزِيزِ القُوَّةِ القَدِيمِ الأَمْرَةِ
 سَلِيمَانَ وَإِنَّهُ يُسَمِّي اللّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ بِابْنِجِيلِ
 وَبِكُلِّ حَرْفٍ وَسُورَةٍ وَكَلِمَةٍ وَبِحَقِّ كُلِّ امْرَأَةٍ
 فِي ابْنِجِيلِ أَحْمَدُ وَبِإِذْنِ اللّهِ تَعَالَى كَلِمَتِي هَالِكٌ

إِلَهًا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ أَنْتُمْ مَجْرُوبُونَ
 أَنْتُمْ نَبِيًّا أَوْ مُسَلِّمًا أَوْ غَرِّبًا أَوْ شُرَكِيًّا أَوْ هِنْدِيًّا
 فَأَنْتَ قَرِيبٌ مِمَّنْ عَلَيْكَ فَارُجُحٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي لَا إِلَهَ
 إِلَّا هُوَ قَدْ كَلَّمَكَ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ نَسَا
 نَهُ يَا كَانِيْدٍ وَشَانَهُ نِيْكَانِيْدٍ وَشَانَهُ آفَرِيْدِيْدٍ كَارِخْدَا مَسِيْدِيْدٍ
 مِيْرَسِيْدِيْدٍ عَاضِرْ شَرِيْدِيْدٍ بَحْنِ آتَا نِيْكَ آدَمِ خَوَانْدِ صَفِيْ كَشْتِ
 وَ لَوْحِ خَوَانْدِ نَجِيْ كَشْتِ وَ اِبْرَاهِيْمِ خَوَانْدِ خَلِيْلِ كَشْتِ
 وَ مُوسَى خَوَانْدِ كَلِيْمِ كَشْتِ وَ عِيْسَى خَوَانْدِ نَبِيْ كَشْتِ
 وَ مُحَمَّدٍ مَّصْطَفَى خَوَانْدِ حَبِيْبِ كَشْتِ وَ عَلِيٍّ خَوَانْدِ وَلِيِّ عَزِيْمِ كَشْتِ
 يَكِيْمِ وَ عَمْرَأِيْمِ مِيْخَوَانِمِ بَرِ جَاعَتِ اِرْوَا حِ دِيْوَانِ وَ جَنِيْتَانِ وَ كَبِيْرَانِ
 وَ جِهُوْدَانِ وَ اِرْمَنِيَانِ وَ هِرْطَالِيْفِهِ كِه مَسْتَدِرْ كَرْدِ آيِنْدِ
 بَعْرِ مَانِ اَللَّهُ تَعَالَى بِيَا سِيْدِ وَ تَرْكِ اِيْنِ كَنِيدِ التَّعْجِيْلِ
 اَلتَّعْجِيْلِ التَّعْجِيْلِ اَلتَّعْجِيْلِ اَلتَّعْجِيْلِ اَلوَا لُوَا اَلوَا
 اِنَّهُ مِنْ سَلِيْمٍ وَ اِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ يَا
 مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالنَّاسِ طَلِبِيْنَ
 وَمَنْ لَانَ مِنْكُمْ رِيْضًا نَصْرًا نَبِيًّا وَ بِحَقِّ
 عِيْسَى رُوْحِ اللّٰهِ قَمِ بِإِذْنِ اللّٰهِ تَعَالَى

الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَنْ كَانَ مَسْلَبًا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ
 الْمُصْطَفَى فَمَ بَاذَنَ اللَّهُ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ
 وَبِحَقِّ كَانَ وَبِحَقِّ عَزَّ شَيْخُ يَاعْظِمُ وَبِحَقِّ تَوَابَةِ
 مُوسَى يَاعْظِمُ وَبِحَقِّ أَنْجِيلِ عِيسَى يَاعْظِمُ وَبِحَقِّ
 زَبُورِ دَاوُدَ يَاعْظِمُ وَبِحَقِّ فِرْقَانِ بَهْرُ شَرِيحِ
 هِرْدِ وَعَالَمِ سِيخِيرَانِ مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى ٣٢ ٣٤ وَالله
 مَعْلَمًا كَانَ يَاعْظِمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَقَتْلِهِ
 جَمْعُ شَدِيدِ أَحْوَالِ أَيْمَارِ رَا بَرِيدِ هِرْمِ يَكُونُ عَمَلُ كَنْدِ

اگر چنانچه جن نافرمانی کند حاضر شوند این را
 بر سر مهر بخوانند ضیاء هلاک شوند عَزَّمْتُ عَلَيْكُمْ
 شَوَاطِئَ مِنْ نَارٍ وَنَحَّاسٍ فَلَا تَقْصِرَال
 خَذُوهُ فَعْتَلَوْهُ ثُمَّ الْجَهَنَّمَ صَلَّوهُ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ
 ذُرْعَاهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ +

اگر جن در تن مصروع ببردن نرود این را سه بار بر آب
 خاند بر بیمار بپاشد البته ضیاء هلاک شود - یَوْمَ نَحْيِي
 عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَيُكْوَنُ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وظهور زهم
 هذا ما كنتم لا تعلمون فذوقوا كنتم تكبرون فقلن نزلناكم الا عدنا بكم

سُورَةُ الْجِنِّ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْءَانًا
 عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾
 وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾ وَأَنَّهُ كَانَ
 يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَاظِنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنْسُ
 وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالِ
 مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ
 اللَّهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلْأَتْ حَرَسًا
 شَدِيدًا وَشُهَبًا ﴿٨﴾ وَأَنَا كُنَّا نَقَعُدُّ مِنْهَا مَقْعِدَ اللَّسْمِيعِ ط فَمَنْ
 يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شُهَابًا رَّصَدًا ﴿٩﴾ وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدُ
 بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ﴿١٠﴾ وَأَنَا مِنَّا الصَّالِحُونَ
 وَمِنَادُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قَدَدًا ﴿١١﴾ وَأَنَاظِنَّا أَن لَّنْ نَعْجِزَ
 اللَّهُ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْجِزَهُ هَرَبًا ﴿١٢﴾ وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَى
 ءَامَنَّا بِهِ ط فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ﴿١٣﴾

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ
 تَحَرَّوْا رَشْدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾
 وَالْوِاسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿١٦﴾ لَنَفْسِنَهُمْ
 فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَأَنَّ
 الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ
 يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ
 بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي
 لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا
 مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
 خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَقْلَمُونَ
 مَنْ أضعف ناصِرًا وَأقلُّ عددًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أَدْرَيْتَ أَقْرَبُ
 مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا
 يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ
 يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا
 رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَخْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾

فہرست اسماء الحسنیٰ ۱۹۱ اسم

۱	اللہ	۲۱	حسین	۴۱	شکوز	۶۱	قائض	۸۲	مقیث
۲	اصد	۲۲	حمید	۴۲	شہید شاہ	۶۲	قاضی	۸۳	مؤمن
۳	اکرم کریم	۲۳	حقی	۴۳	صادق	۶۳	قادر	۸۴	مہین
۴	اول و آخر	۲۴	خالق	۴۴	صانع	۶۴	قدیر قادر	۸۵	منان
۵	باری بر	۲۵	خبیر	۴۵	صمد	۶۵	قدوس	۸۶	محبی
۶	باط	۲۶	خیر الناصرین	۴۶	طاہر	۶۶	قدیم	۸۷	مہیت
۷	باطن	۲۷	دیان	۴۷	طاہر	۶۷	قریب	۸۸	ناصر
۸	باعث	۲۸	زاری	۴۸	عدل	۶۸	قوی	۸۹	نور
۹	باقی	۲۹	رائی	۴۹	غریز	۶۹	قیوم	۹۰	واحد
۱۰	بدیع	۳۰	رازق رزاق	۵۰	عظیم	۷۰	کافی	۹۱	وارث
۱۱	بصیر	۳۱	رب	۵۱	عفو	۷۱	کاشف	۹۲	واسع
۱۲	توآب	۳۲	الرحمن	۵۲	علیم	۷۲	کبیر	۹۳	ودود
۱۳	جبار	۳۳	الحسین	۵۳	علی عالی علی	۷۳	لطیف	۹۴	وفی
۱۴	جلیل	۳۴	رقیب	۵۴	غفور غفار	۷۴	مالک ملک	۹۵	وکیل
۱۵	جواد	۳۵	رؤف	۵۵	غنی	۷۵	مبین	۹۶	وتر
۱۶	حسب	۳۶	سبح	۵۶	غیاث	۷۶	مبین	۹۷	ولی
۱۷	حقی و خفی	۳۷	سلام	۵۷	فاطر	۷۷	مشکب	۹۸	وہاب
۱۸	حفظ	۳۸	سمیع	۵۸	فائق	۷۸	مجتب	۹۹	خادمی
۱۹	حق	۳۹	سید	۵۹	مشاح	۸۰	مخیر		مہر
۲۰	حکیم	۴۰	الثانی	۶۰	فردوس	۸۱	منصور		یغوث

فرقان	۱	هادی -
سوره سبأ	۱	فتاح
ملثکه	۱	شکور
زمر	۱	کافی
مؤمن	۴	غافر الذنب - قایل التوب - شدید العقاب - ذالطو
زاديات	۲	رزاق - ذالقوه المستین -
طور	۱	تبر
اقرب	۱	ملیک
الرحمن	۲	باقی - ذالجلال
حدید	۴	اول - اخر - ظاهر - باطن -
حشر	۱۰	قدوس - سلام - مؤمن - مهین - متکبر عزیز
		جبار - خالق - باری - مصور
معارج	۱	ذالمعارج
الاعلی	۱	اعلی
نمل	۱	اکرم
مجادل	۲	مبینه - مسجد -
اخلاص	۲	احد - احد -

أَسْمَاءُ الْحُسْنَى

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بِدَعْوَةِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
تِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ اسْمًا « مائة الأواحد » من أحصاها دخل الجنة و

١- الله	١٦- الأكرم	٣٠- الرحيم
٢- الواحد	١٧- الظاهر	٣١- الذاري ذرآء
٣- الأحد	١٨- الباطن	٣٢- الرازق
٤- الصمد	١٩- المحي	٣٣- الرقيب
٥- الأول	٢٠- الحكيم	٣٤- الرؤف
٦- الآخر	٢١- العليم	٣٥- الرائي
٧- السميع	٢٢- الحليم	٣٦- السلام
٨- البصير	٢٣- الحفيظ	٣٧- المؤمن
٩- القدير	٢٤- الحق	٣٨- المهيمن
١٠- القاهر	٢٥- الحسيب	٣٩- العزيز
١١- العلي الأعلى	٢٦- الحسيذ	٤٠- المتبار
١٢- الباقي	٢٧- الخفي	٤١- المتكبر
١٤- البتّين	٢٨- التّيب	٤٢- السّد
١٥- الباقي البرّ	٢٩- الرحمن	٤٣- السّبوح

أَسْمَاءُ الْحُسْنَى

(٣)

٧٦ - كَاشِفُ الضَّرِّ	٦٠ - الْقَوَى	٤٤ - الشَّهِيدُ
٧٧ - الْوَرَى	٦١ - الْقَرِيبُ	٤٥ - الصَّادِقُ
٧٨ - الْغُورُ	٦٢ - الْقَيُّومُ	٤٦ - الصَّانِعُ
٧٩ - الْوَهَّابُ	٦٣ - الْقَائِضُ	٤٧ - الطَّاهِرُ
٨٠ - النَّاصِرُ	٦٤ - الْبَاسِطُ	٤٨ - الْعَدْلُ
٨١ - الْوَاسِعُ	٦٥ - قَاضِي الْمَجَاجِبِ	٤٩ - الْعَفْوُ
٨٢ - الْوَدُودُ	٦٦ - الْمَجِيدُ	٥٠ - الْغَفُورُ
٨٣ - الْمُنَادِي	٦٧ - الْوَلِيُّ وَوَالِي	٥١ - الْغَنَى
٨٤ - الْوَقِيُّ	٦٨ - الْمَنَّانُ	٥٢ - الْغِيَاثُ
٨٥ - الْوَكِيلُ	٦٩ - الْمَحِيطُ	٥٣ - الْفَاطِرُ
٨٦ - الْخَبِيرُ	٧٠ - الْمُبِينُ	٥٤ - الْفَرْدُ
٨٧ - الْوَارِثُ	٧١ - الْمَقْتَدِرُ	٥٥ - الْفَتَّاحُ
٨٨ - الْبَرُّ	٧٢ - الْمُصَوِّرُ	٥٦ - الْفَالِقُ
٨٩ - الْبَاعِثُ	٧٣ - الْكَرِيمُ	٥٧ - الْقَدِيمُ
٩٠ - التَّوَابُ	٧٤ - الْكَبِيرُ	٥٨ - الْمَلِكُ
٩١ - الْجَوَادُ	٧٥ - الْكَافِي	٥٩ - الْقَدُّوسُ
٩٢ - الْمَلِكُ		
٩٣ - الْخَالِقُ		
٩٤ - خَيْرُ النَّاصِرِينَ		
٩٥ - الدَّيْمَانُ		
٩٦ - الشُّكُورُ		
٩٧ - السَّمِيعُ		
٩٨ - السَّمِيعُ		
٩٩ - الشَّانِقُ		